تحلیل روان‌شناختیِ یونگیِ آیین‌های عشای ربانی و عاشورا: مطالعه‌ی تطبیقی نمادهای ناخودآگاه جمعی

رضا زائری[۱]، دکتر محمدباقر نائیجی[۲]*، ابوالفضل ره‌گوی[۳]، دکتر ارسلان احمدی[۴]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌پرستاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران.
۲- استادیار و دکترای فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی.
۳- مربی و کارشناسی ارشد روان‌پرستاری، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی.
آدرس : ولنجک ، بلوار دانشجو،خیابان کودکیار، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی.
۴- دکترای مشاوره و معاونت پژوهشی و پژوهشگر واحد توسعه تحقیقات بالینی مرکز روان‌پزشکی رازی.
مکاتبات خطاب به دکتر محمدباقر نائیجی؛ **رایانامه:** mo.naeji@uswr.ac.ir

https://orcid.org/0009-0009-7417-4808
https://orcid.org/0009-0007-7900-7991
https://orcid.org/0000-0002-9657-4724
https://orcid.org/0000-0002-2318-8419

نسخه پدیدرفته‌شده پیش از انتشار

چکیده

سابقه و هدف: کاهش باورهای معنوی در جوامع مدرن به افزایش روان‌نژندی‌ها منجر شده است. این مطالعه با هدف تحلیل تطبیقی نمادهای کهن‌الگویی در آیین‌های عشای ربانی و عاشورا از منظر روان‌شناسی یونگی، تأثیر آن‌ها بر ناخودآگاه جمعی و کاربردهای درمانی در روان‌پرستاری را بررسی می‌کند.

روش کار: پژوهش با رویکرد کیفی و تحلیل نمادشناختی انجام شد. داده‌ها از متون دینی (عهد جدید، روایات عاشورا)، آثار یونگ، و مطالعات فرهنگی جمع‌آوری و با چارچوب کهن‌الگوها و فردیت تحلیل شدند.

یافته‌ها: نمادهای خون، نان، رنج، و وحدت در هر دو آیین کهن‌الگوهای قربانی، قهرمان، و رستاخیز را بازنمایی می‌کنند. عشای ربانی بر رهایی الهی و عاشورا بر مقاومت اجتماعی تأکید دارد، اما هر دو کاتارسیس و تاب‌آوری را تقویت می‌کنند.

نتیجه‌گیری: این نمادها از طریق کاتارسیس، مواجهه با سایه، و فردیت، پتانسیل درمانی در روان‌پرستاری دارند و می‌توانند در مراقبت فرهنگ‌محور سلامت روان را تقویت کنند.

واژه‌های کلیدی: عشای ربانی، عاشورا، روان‌شناسی یونگی، کهن‌الگوها، روان‌پرستاری، سلامت روان، ناخودآگاه جمعی، معنویت، نمادگرایی، کاتارسیس

Comparative Analysis of Archetypal Symbols in Eucharist and Ashura: Jungian Psychology and Psychiatric Nursing Applications

Reza Zaeri1, Mohammadbagher Naeiji2, Abolfazl Rahgooy3, Arsalan Ahmadi4

1. MSc Student, Department of Psychiatric Nursing, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran
2. PhD, Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran
3. MSc, Instructor, Department of Psychiatric Nursing, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran
4. PhD, Researcher and Deputy of Research, Clinical Research Development Unit, Razi Psychiatric Center, Tehran, Iran

نسخه پیش از انتشار

Background and Objectives: The decline of spiritual beliefs in modern societies has intensified mental health challenges, necessitating exploration of religious rituals' psychological roles. This study aims to comparatively analyze archetypal symbols in the Christian Eucharist and Shiite Ashura rituals through Carl Gustav Jung's analytical psychology, focusing on their impact on the collective unconscious and therapeutic potential in psychiatric nursing.

Methods: Employing a qualitative approach with semiotic analysis, this study examines religious texts, Jungian works, and cultural studies. Key symbols (blood, bread, suffering, purification, unity) were identified and compared using Jung's archetypes and individuation framework, emphasizing their psychological functions across Christian and Shiite contexts.

Findings: The analysis revealed that both rituals manifest archetypes such as sacrifice, suffering hero, and rebirth, facilitating psychological integration. The Eucharist emphasizes divine redemption, while Ashura highlights social resistance. Symbols like blood and suffering foster catharsis and resilience, bridging individual and collective unconscious.

Conclusion: These rituals' archetypal symbols offer therapeutic applications in Jungian psychotherapy and psychiatric nursing by promoting catharsis, shadow confrontation, and individuation, enhancing mental health through culturally sensitive care.

Keywords: Eucharist, Ashura, Jungian Psychology, Archetypes, Psychiatric Nursing, Mental Health, Collective Unconscious, Spirituality, Symbolism, Catharsis

مقدمه

آیین‌های دینی مانند عشای ربانی در مسیحیت و عاشورا در اسلام شیعی، به‌عنوان آیین‌هایی با بار نمادین قوی، نقش مهمی در تجربهٔ دینی و روان‌شناختی افراد ایفا می‌کنند. این آیین‌ها نه‌تنها بیانگر باورهای دینی‌اند، بلکه بازتاب‌دهندهٔ کهن‌الگوها و نمادهای ناخودآگاه جمعی‌اند که در نظریه روان‌شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ مورد توجه قرار گرفته‌اند. با وجود مطالعات گسترده درباره‌ی این آیین‌ها از منظر الهیاتی و تاریخی، کمبود پژوهش‌های تطبیقی با رویکرد روان‌شناختی یونگی مشهود است (۱). این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف، به بررسی نمادهای مشترک و تفاوت‌های روان‌شناختی این دو آیین می‌پردازد تا درک عمیق‌تری از تأثیر آن‌ها بر ناخودآگاه جمعی در بسترهای فرهنگی مسیحی و شیعی و کاربردهای درمانی آن ارائه دهد.

رنگ‌باختن و روند رو به افول ارزش‌های معنوی مذهبی در مسائل مربوط به سلامت روان و کارایی روان‌شناختی انسان مدرن، یکی از چالش‌های بسیار مهم جامعهٔ امروزی روان‌پزشکان، مشاوران سلامت روان و متخصصین الهیات به شمار می‌رود (۲, ۳). از دیرباز امور معنوی مذهبی و حالات و جهت‌گیری روانی انسان در قبال مسائل دینی و الهیات، از تأثیرگذارترین عوامل شناخته‌شده بر احوال روانی او، سطح سلامت روان و ظهور علائم روان‌نژندی و نوروز[1]، بوده است (۲, ۴). در جدیدترین و آخرین متون جهانی معتبر حوزهٔ روان‌پزشکی و روان‌شناسی نیز همواره از سلامت معنوی و روحانی به عنوان عامل اساسی تعیین‌کنندهٔ افزایش عزت نفس و به دنبال آن، سلامت روان انسان، یاد شده است(۵, ۶) . بنابراین می‌توان هر گونه مناسک و مراسم مذهبی، دینی و معنوی را، نوعی آیین نمادین برای برقراری ارتباط با بعد روحانی و متعالی انسان به شمار آورد که با ارضای نیروهای روانی شخصی و جمعی نوع بشر، نقشی حیاتی در تخلیهٔ هیجانی و ممانعت از تورم روانی و ایجاد انواع روان‌نژندی، ایفا می‌کند (۲, ۷).

با این حال از زمان اصلاحات به متعاقب وقایع انقلاب فرانسه، انقلاب‌های صنعتی و جنبش‌های سیاسی نوظهور متعدد قرن بیستم، جامعه و تمدن غرب به مرور به سمت فراموشی ارزش‌های معنوی مذهبی، کاهش قدرت و نفوذ کلیسا و خشک‌شدن ریشه‌های تاریخی و فرهنگی انسانی حرکت کرد که از زمان‌های کهن با باورها، مناسک و آداب و رسومی مشخص و بی‌بدیل، عادت به یک زندگانی روحانی و متعالی داشت و همین موضوع سلامت روان و کارایی روان‌شناختی او را به نحوی موفقیت‌آمیز، تضمین می‌کرد (8) (9) (10).

لیکن ظهور مدرنیته، گسترش روزافزون فردگرایی مبتنی بر نظام سرمایه‌داری و ایجاد انسان توده‌ای که هیچ‌گونه و نظام و ارزش فکریِ مشخصی ضامن برقراری و حفظ نیازهای فطری معنوی مذهبی او نیست، منجر به بروز موجی عظیم از روان‌نژندی‌ها، چالش‌ها و اختلالات سلامت روان شده که به نظر می‌رسد علم پزشکی مدرن به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی این حجم عظیم از گسیختگی شخصیت یک‌پارچهٔ انسان، نیست (11) (8) (12) .

چنین رویکردی باعث شده که شناخت، ایمان و باور انسان مدرن به مناسک دیرینهٔ معنوی مذهبی روند کاهشی روزافزونی را پیش بگیرد. این در حالی‌ست که هر کدام از این آیین‌های خاص در ادیان و مذاهب مختلف، به شیوه‌ای ناخودآگاه و فطری طی قرون متمادی طوری پرورش یافته و شکل گرفته‌اند که پاسخ‌گوی بخشی معین و غیر قابل انکار در نیازهای ذاتی ساختار روان انسان باشند (13) (14) (15) . در جامعهٔ مسیحیت که بیشترین پیروان را در سراسر جهان دارا است، می‌توان آیین مهم و سنتی عشای ربانی را نام برد که به واسطهٔ سخنان و رفتارهای معین و حائز اهمیت عیسی مسیح در مراسم موسوم به شام آخر و شب پیش از به‌صلیب‌کشیده‌شدنِ او، همواره از حیاتی‌ترین مناسک کلیسا بوده است (16) (17) . بااین‌حال این آیین دیرینه و شناخته‌شده، امروزه جدای از مذهب پروتستان، در کلیسای کاتولیک نیز اهمیت کهن خود را از دست داده و دیگر به مانند گذشته، با جدیت و

[1] Nevrose

شور معنوی برخاسته از معنای روحانی و الهی آن برگذار نمی‌شود و این مهم دلیلی به‌جز محو شدنِ ریشه‌ها، فرهنگ‌ها و اصول دینی دنیای غرب در جهان پست‌مدرن ندارد که باعث می‌شود فرد مسیحی ارتباط بدوی خود با این‌چنین مناسک مذهبی برجسته را از دست بدهد (19) (18) .

نکتهٔ حیاتی‌تر برای ما اما این است که این بحران مدرنیتهٔ غربی و فراموشی اهمیت جنبهٔ معنوی مذهبی زندگی انسان و مناسک روحانی او، در جامعهٔ امروزی کشور ایران، به خصوص در میان جوانان و نوجوانان، ریشه دوانده و دیگر مسئله‌ای مشخص و مربوط به غرب به حساب نمی‌آید (20) . وضعیتی که روان‌پزشک بزرگ سوئیسی، کارل گوستاو یونگ، حدود یک قرن پیش، از گسترش آن در جوامع غربی هشدار می‌داد و مردم را دعوت به آشتی و بازگشت به امور معنوی خود می‌کرد، اکنون در سراسر جهان امری غیر قابل انکار است و کشور ما، ایران، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های اسلامی، از این موج ویران‌گر در امان نبوده است (21).

در شرایطی که باور و عمل به مناسک مذهبی در میان مردم ایران، به خصوص جوانان و نوجوانان کلان‌شهرها و مهم‌تر از همه تهران، روندی افولی تجربه می‌کند، به نظر می‌رسد به موازات آن همانند اتفاقی که در سراسر جهان رخ داده، به دنبال از دست رفتنِ بعد معنوی زندگی، موج‌های جدید و فراوانی از روان‌نژندی و اختلالات مختلف روان‌پزشکی در میان مردم در حال گسترش است (22) . این همایندی به طرزی معنی‌دار ارتباط متقابل بین کاهش باورهای معنوی مذهبی در میان ایرانیان، به خصوص نسل جوان‌تر، با کاهش سطح سلامت روان و افزایش اختلالات روان‌نژندی را نشان می‌دهد (24) (23) .

کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵ – ۱۹۶۱)، از جمله روان‌پزشکان و روان‌شناسان مطرح تاریخ است که همواره در جهت تعیین و اثبات تأثیر حیاتی امور معنوی مذهبی بر وضعیت سلامت روان انسان کوشیده است. یونگ در کتاب‌های متعددی مانند «انسان و سمبول‌هایش»، «روانشناسی و دین» و «ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها»، به جد تلاش کرده که نیاز ناخودآگاه انسان به پرستش خداوند و برگزاری مناسک معنوی را از طریق مفاهیمی چون «کهن‌الگوها»[1] و «ناخودآگاه جمعی» [2]به حیطه‌ی علم و دانشِ روان‌پزشکی وارد کند. (8, 13, 16, 18, 25, 26) . لذا به عنوان یک روان‌پرستار در جامعهٔ کنونی ایران، شرایط ایجاب می‌کند که از آموزه‌های یونگ برای احیای باورهای معنوی و مذهبی مردم و متعاقب آن، افزایش سلامت روان و امید به زندگی و کاهش روان‌نژندی‌ها، بهره جسته و تلاش کنیم از منظری علمی، وجوب برگزاری مناسک مذهبی را بیش از پیش، یادآور شویم

در میان ایرانیان، مراسم عاشورا از مهم‌ترین مناسک مذهبیِ هم‌چنان زنده و پویا در بین مردم محسوب می‌شود. برداشت‌های کهن‌الگویی و نمادینِ واقعهٔ عاشورا و همانندیِ آن با آیین عشای ربانی و واقعهٔ مرسوم به شام آخر، دستمایهٔ مناسبی برای پرداختن به نیازهای فطری تاریخی مشترک در تمام مردم جهان از هر مذهب و نژادی، به شمار می‌رود (27) .

پیدایش و ثبت علمی رسمی مسئله‌ی ناخودآگاه[3]، حاصل فعالیت‌های روان‌پزشک مشهور اتریشی، زیگموند فروید بوده است. ناخودآگاه به منزلهٔ آن قسمت از محتویات، خاطرات، تصاویر و محکرات محیطی تعیین می‌شود که در حیطهٔ فعالیت‌های آگاهانه و در دسترس ذهنِ حال حاضر انسان موجود نیست؛ مانند خاطرات فراموش‌شدهٔ دوران کودکی، تمایلات غیر قابل قبول و ناخواسته برای فرد و محرکات نادیده گرفته‌شده است (13) (28) .

[1] Archetypes

[2] Collective Unconscious

[3] Unconscious

یونگ در تکمیل کارهای فروید، مفهوم ناخودآگاه جمعی را مطرح کرد. او معتقد است علاوه بر محتوای شخصی پنهان از حیطهٔ آگاهی ارادیِ انسان، در لایه‌های پایین‌تر روان به یک سطح ناخودآگاهیِ جمعیِ متعلق به تمام انسان‌های جهان در تمام تاریخ بشریت می‌رسیم که اشتراکات آن در هر نژاد و ملت مختلف، بیشتر به چشم می‌آید. محتویات این سطح از ناخودآگاه، میان تمام انسان‌ها یکسان، ازلی و ابدی‌ست و تنها تفاوت‌های فرهنگی در این میان انسان‌ها را کم و بیش از هم تفکیک می‌کند (13, 29) .
یونگ باور داشت که ناخودآگاه جمعی حاوی الگوهای ازلی موسوم به کهن‌الگوها است که در قالب اسطوره‌ها، آیین‌های دینی و رؤیاها ظاهر می‌شوند. کهن‌الگو یک تصویر مثالی و انگارهٔ غریزی‌ست که تمایل به فعال‌شدن دارد و بر اساس نیازهای فطری انسان، در زندگی روزمرهٔ او تجلی می‌یابد تا یک غریزه و نیاز اساسی را پاسخ گوید (13, 30) . این الگوها در اسطوره‌ها، ادبیات، آیین‌های مذهبی و رؤیاها به اشکال گوناگون نمود می‌یابند و نقش حیاتی در سازمان‌دهی روان و جهت‌دهی به معنابخشیِ انسان به جهان و هستی ایفا می‌کنند. از جمله کهن‌الگوهایی که به مراتب در ادیان و مذاهب مورد بحث ما مشاهده شده می‌توان به کهن‌الگوی قربانی، مرگ، رستاخیز، تولد دوباره، رنجِ مقدس، قهرمان و مقاومت و سوگ جمعی اشاره کرد(26) (31) . حضور این کهن‌الگوها در آیین‌های عشای ربانی و عاشورا نیز، بازتابی از ناخودآگاه جمعی و تلاش روان برای بازسازی نظم معنوی و بازآفرینی تجربه‌ی رهایی و رستگاری در قالب نمادین است (13) (33) (32) .

یونگ همچنین مفهوم فرآیند فردیت[1] را مطرح کرده، فرآیندی که به کسب یک‌پارچگی شخصیت درونیِ انسان به دنبال کشف و اجازهٔ ظهور مضامین پنهان ناخودآگاه رخ می‌دهد. در مورد ما، آشنایی با نیاز فطری و غریزیِ پرستش خداوند و ایمان به اسطوره‌هایی قابل بحث است که تجلیِ جاودانگی، مرگ قهرمانانه در راه خیر و پیروزی بر شر هستند و در پیشگاه خداوند، قربانیِ رنج‌آوری را برای رهایی و آسایش دیگران تقدیم می‌کنند (35) (34, 25, 13) .

در مباحث معنوی مذهبی، تأکید یونگ همواره بر کارکرد روان‌شناختی دین و بررسی مسئله‌ی دینی به منزلهٔ یک تجربه‌ی روان‌شناختی[2] بوده است. از دیدگاه یونگ، دین برای هر فرد مسئله‌ای شخصی و هم‌زمان دارای جنبه‌های جمعی تلقی می‌شود که با انجام مناسک و آیین‌های مخصوص و فعال‌سازی کهن‌الگوهای معنوی مذهبی، باعث یکپارچگی شخصیت انسان شده و خودآگاه او را با سایهٔ پنهان ناخودآگاه شخصی خود[3] و اساطیر ناخودآگاه جمعی، متحد می‌سازد (29, 25) (37) (36) .

به بیانی دیگر، یونگ معتقد است که سلامت روان انسان، راز رهایی او از انواع روان‌نژندی و بالاتر از همه نیل به رستگاری و جاودانگی، در گرو این موضوع است که فرد با نیازهای غریزی و فطریِ معنوی دینی خود دست دوستی بدهد. انسان تنها زمانی می‌تواند کمال ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود را تجربه کند که در نتیجهٔ فرآیند فردیت، با اتصال به ناخودآگاه جمعی و اجازهٔ بروز و اعمال نقش کهن‌الگوهای مذهبی، بعد روحانی و الهی شخصیت خود را سیراب نماید (40, 39) (38, 18) .

یونگ بر این باور است که مقاومت در برابر این کهن‌الگوها و نادیده‌گرفتن غرایز معنوی مذهبی انسان، منجر به تورم روانی[4] می‌شود که منشاء انواع روان‌نژندی‌هاست (38) .

---

[1] Individuation
[2] Psychological experience
[3] Shadow
[4] Inflation

تشابهات نمادین آیین‌های عشای ربانی در مسیحیت و عاشورای حسینی در اسلام شیعی، نقاط عطف مهمی هستند که می‌توان از آن‌ها برای اثبات وجود کهن‌الگوها و اسطوره‌های مشترک در ناخودآگاه جمعی جامعهٔ مسیحی و مسلمان، بهره گرفت (42) (41) .

همان‌طور که در جریان مراسم شام غریبان، برافروختن شعله‌های شمع در تاریکی به مثابه کورسوی امید و روشنایی در سیاهی مطلق به کار می‌رود، مسیح و حواریون نیز در واقعهٔ موسوم به شام آخر شمع‌به‌دست در تاریکی گرد هم آمدند و هنوز هم در مراسم عشای ربانی قرار دادن شمع‌های روشن اطراف صحن کلیسا از آیین‌های دیرین به حساب می‌آید. لباس‌های سفید حواریون و عیسی به منزلهٔ پاکی، بی‌گناهی و مظلومیت، همان سیاه‌پوشی شیعیان در عزای مرگ مظلومانهٔ حسین (ع) را تلقی می‌کند (41) (13) .

هدف پژوهش ما تحلیل چنین نمادهای کلیدی و کهن‌الگوهای اسطوره‌ای این دو مراسم است؛ نمادهایی چون خون به منزلهٔ کهن‌الگوی قربانی در عشای ربانی و قهرمانی و مقاومت در عاشورای حسینی. خون در عشای ربانی نماد قربانی مسیح برای رهایی بشریت و در عاشورا نماد مقاومت حسینی برای عدالت است. مطالبی که به زعم یونگ برخاسته از محتویات ناخودآگاه جمعی انسان‌ها می‌باشد؛ اتحاد الهی در عشای ربانی و سوگ جمعی در عاشورای حسینی (44) (43) .

نقد تحریف در آیین عشای ربانی

با وجود شباهت‌های نمادین بین عشای ربانی و عاشورا، باید توجه داشت که آیین عشای ربانی در مسیحیت، به‌ویژه پس از اصلاحات پروتستانی و تغییرات تاریخی، از معنای اصیل خود فاصله گرفته است. راتزینگر (۲۰۰۰) اشاره می‌کند که تأکید بیش‌ازحد بر جنبه‌های آیینی در برخی شاخه‌های مسیحیت، معنای الهیاتی عمیق عشای ربانی (اتحاد با خدا) را کم‌رنگ کرده است. این تحریف‌ها، برخلاف عاشورا که ریشه در مقاومت معنوی و اجتماعی دارد، ممکن است برداشت‌های نادرستی از برابری ارزشی این آیین‌ها ایجاد کند. تحلیل روان‌شناختی این پژوهش صرفاً بر کهن‌الگوهای مشترک متمرکز است و به برتری ارزشی عاشورا در بستر اسلامی اشاره دارد.

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی آیین‌های عشای ربانی و عاشورا از منظر روان‌شناسی یونگی، به بررسی نمادهای کهن‌الگویی و کارکردهای روان‌شناختی آن‌ها در ناخودآگاه جمعی می‌پردازد. پرسش‌های پژوهش برای هدایت این مطالعه به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که هم جنبه‌های نظری و هم کاربردهای عملی را پوشش دهند. پرسش‌های اصلی به شرح زیر هستند:

۱. چه نمادهای کهن‌الگویی در آیین عشای ربانی قابل شناسایی‌اند؟
۲. چه نمادهای کهن‌الگویی در آیین عاشورا قابل شناسایی‌اند؟
۳. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در نمادهای کهن‌الگویی و کارکردهای روان‌شناختی آن‌ها در آیین‌های عشای ربانی و عاشورا وجود دارد؟
۴. چگونه این نمادها از منظر کهن‌الگوها و فرآیند فردیت در روان‌شناسی یونگ تبیین می‌شوند؟
۵. درک عمیق‌تر این نمادهای کهن‌الگویی چه کاربردهای درمانی در روان‌درمانی یونگی یا تقویت سلامت روان دارد؟

روش

نسخهٔ پدر فرشته پیش از انتشار

این پژوهش از رویکرد کیفی با روش تحلیل نمادشناختی[1] مبتنی بر روان‌شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ استفاده می‌کند تا نمادهای کهن‌الگویی در آیین‌های عشای ربانی و عاشورا را شناسایی، مقایسه، و تبیین کند. این روش برای بررسی معنای نمادها و کارکردهای روان‌شناختی آن‌ها در بستر ناخودآگاه جمعی مناسب است و امکان تحلیل تطبیقی عمیق بین دو آیین را فراهم می‌کند.

رویکرد پژوهش کیفی است، زیرا هدف، درک عمیق نمادها و کهن‌الگوهای موجود در آیین‌های عشای ربانی و عاشورا و ارتباط آن‌ها با مفاهیم یونگی (ناخودآگاه جمعی، کهن‌الگوها، و فردیت) است. تحلیل نمادشناختی به‌عنوان روش اصلی انتخاب شده؛ زیرا این روش بر تفسیر نشانه‌ها و نمادها در بستر فرهنگی و روان‌شناختی تمرکز دارد و با چارچوب یونگی که بر نقش نمادها در روان تأکید می‌کند، هم‌خوانی دارد.

داده‌های پژوهش از منابع متنی و اسنادی مرتبط با آیین‌های عشای ربانی و عاشورا جمع‌آوری می‌شوند. این منابع شامل:

- **متون دینی و الهیاتی**: متون اصلی مسیحی (مثل عهد جدید برای عشای ربانی) و متون شیعی (مثل روایات تاریخی عاشورا).
- **منابع یونگی**: آثار اصلی یونگ مانند *روان‌شناسی و دین*[2] و *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو*[3] و تفاسیر مفسران یونگ مانند ادینگر[4] و اشتیان[5].
- **مطالعات فرهنگی و تاریخی**: کتاب‌ها و مقالات مرتبط با نمادشناسی عشای ربانی مانند راتزینگر[6] و عاشورا مانند ایوب[7] و آقایی[8].
- **مشاهدات آیینی (در صورت امکان)**: توصیف‌های مستند از آیین‌های معاصر عشای ربانی و عاشورا (مثل گزارش‌های مردم‌نگاری یا مستندات تصویری) برای شناسایی نمادهای جاری.

تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام می‌شود:

۱. **شناسایی نمادها**: نمادهای کلیدی در هر آیین (مانند خون، شمع، لباس) از طریق بررسی متون و مشاهدات شناسایی می‌شوند. این نمادها بر اساس ارتباطشان با کهن‌الگوهای یونگی (مانند قربانی، رستاخیز، قهرمان) دسته‌بندی می‌شوند.
۲. **تحلیل تطبیقی**: شباهت‌ها و تفاوت‌های نمادها و کهن‌الگوها بین عشای ربانی و عاشورا بررسی می‌شوند. برای مثال، نماد خون در عشای ربانی (قربانی برای رهایی) با عاشورا (مقاومت برای عدالت) مقایسه می‌شود. این تحلیل با استفاده از مفاهیم یونگی (ناخودآگاه جمعی و فردیت) انجام می‌شود.

---

[1] Semiotic Analysis
[2] *Psychology and Religion*
[3] *The Archetypes and the Collective Unconscious*
[4] Edinger
[5] Stein
[6] Ratzinger
[7] Ayoub
[8] Aghaie

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

۳. **تبیین کاربردهای درمانی**: کارکردهای روان‌شناختی نمادها (مانند یکپارچگی روانی و کاهش روان‌نژندی) با استناد به نظریه یونگ و مطالعات روان‌درمانی تحلیل می‌شوند. این مرحله به بررسی پتانسیل‌های درمانی آیین‌ها در سلامت روان می‌پردازد.

برای تحلیل نمادها، از چارچوب نظری یونگ (کهن‌الگوها، ناخودآگاه جمعی، و فرآیند فردیت) استفاده می‌شود. همچنین، رویکردهای نشانه‌شناختی (مانند مدل‌های بارت یا اکو) برای تفسیر معنای نمادها در بسترهای فرهنگی مسیحی و شیعی به‌کار گرفته می‌شوند.

یافته‌ها

آیین‌های عشای ربانی در مسیحیت و عاشورا در اسلام شیعی، به‌عنوان آیین‌هایی با بار نمادین قوی، بازتاب‌دهنده‌ی کهن‌الگوهای ناخودآگاه جمعی‌اند که در نظریه روان‌شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ مورد توجه قرار گرفته‌اند. این بخش به شناسایی و تحلیل نمادهای مشترکی مانند قربانی، رنج، تطهیر، و وحدت در این دو آیین می‌پردازد و آن‌ها را از منظر کهن‌الگوها و کارکردهای روان‌شناختی تفسیر می‌کند. این تحلیل به درک عمیق‌تری از نقش این نمادها در یکپارچگی روانی و سلامت روان کمک می‌کند (13, 41, 45). این نمادها نه‌تنها کهن‌الگوهای جهانی را بازتاب می‌دهند، بلکه تنوع تجلی آن‌ها در بسترهای فرهنگی مسیحی و شیعی را نمایان می‌کنند.

الف) نماد خون و شراب: قربانی و رستگاری

عشای ربانی (مسیحیت): شراب به عنوان نماد خون مسیح تقدیم می‌شود که برای بخشش گناهان ریخته شد «این جام خون من است، برای عهد جدید»، «بیاشامید که این جام چون خون من است» این خون نشانه‌ی فداکاری و نجات جمعی‌ست. خون به عنوان کهن‌الگوی زندگی و تجدید حیات، نماد ناخودآگاهِ جمعی است که با قربانی، جامعه را پالایش می‌دهد (48) (47) (46) .

عاشورای حسینی (اسلام شیعی): خون امام حسین (ع) نماد مقاومت در برابر ظلم و فداکاری برای حقیقت است. در عزاداری‌ها، نخل‌زنی (نمایش خون‌ریزی) یا تعزیه به صورت نمادین خون قربانی را بازآفرینی می‌کند. خون امام حسین (ع) به عنوان سایه‌ی جمعی (ظلم‌ستیزی) و کهن‌الگوی قهرمان[1] عمل می‌کند که با مرگ خود، جامعه را بیدار می‌سازد (49, 41) .

ب) نان و قربانی: تغذیهٔ جسم و روح

عشای ربانی: نانِ تکه‌تکه شده نماد پیکر مسیح است که برای شفاعت بشر تقدیم شد. نان کهن‌الگوی تغذیهٔ روحانی و اتحاد با خدا از طریق جسم خویشتن[2] است. «از این نان بخورید که چون جسم من است». در مراسم عشای ربانی مسیحیت، تکهٔ نان به درون جام فرو برده می‌شود و به مثابه جسم و روحِ درهم‌تنیدهٔ عیسی مسیح بلعیده می‌شود تا یکی‌شدنِ استعاری با مسیح رخ دهد (49) (25).

[1] Hero archetype
[2] Self archetype

عاشورا: نظری (غذای نذری عاشورا) نماد اشتراک در رنج حسین و همبستگی اجتماعی است. برخی آن را به نان و غذای آخرین شب امام حسین (ع) پیش از شهادت مرتبط می‌دانند. غذای نظری به عنوان نماد پیوند انسانی و تجدید حیات از طریق یادبود به عنوان رابط جمعی عمل می‌کند و تداعی‌گر جسمِ آسیب‌دیده و مجروحِ قهرمان است (41) (25) .

ج) شام آخر[1] و شام غریبان: سوگ و وصال

شام آخر: مسیح در آستانهٔ مرگ، با حواریون نان و شراب تقسیم می‌کند و پیمان جدید را اعلام می‌دارد. این شام، هم پیش‌درآمد رنج است و هم وعدهٔ رستاخیز که کهن‌الگوی مرگ و تولد دوباره[2] را تداعی می‌کند (25 ,13) (51) (50) .

شام غریبان و شب تاسوعا: شام غریبان به منزلهٔ سوگواری برای غربت اهل بیت پس از عاشورا است. در تاریکی و با شمع برگزار می‌شود و نماد اندوه بی‌پایان و امید به ظهور مهدی (موعود) به شمار می‌رود. ترکیب سایه (ظلمت شب) و کورسوهای شعله‌ی شمع‌های برافروخته، امید به نجات‌دهندهٔ موعود و کهن‌الگوی نجات‌دهنده[3] را حکایت می‌کند (52 ,26) . همچنین در روایات آمده است که شب پیش از نبرد پایانی، امام حسین (ع) در تاریکی با یارانش به گفتگو می‌نشیند و همانند عیسی مسیح نوعی اتمام حجت و پیمان رستگاری می‌بندد. در *اسطورهٔ کربلا*[4] کامران آقایی هم در چند بخش، دقیقاً به این شبِ گفت‌وگو و اتمام حجت امام حسین (ع) با یارانش اشاره شده؛ جایی که این شب را هم در مقام *پیمان نهایی* و هم در مقام *آیین گذار*[5] پیش از مرگ تحلیل می‌کند؛ شبی که در آن افراد میان ماندن و رفتن، و میان پذیرش مرگ قهرمانانه یا نجات جان، مختار می‌شوند. این موقعیت در روان‌شناسی تحلیلی یونگ، معادل مواجههٔ آگاهانه با *سایه* و آمادگی برای مرگ و تولد دوباره‌ی روانی در دل تاریکی‌ست. از نظر اسطوره‌شناسی هم میرشئا الیاده در *افسانه‌ها، رؤیاها و رازها*[6] این شب را نوعی *مرز زمانی*[7] می‌داند: مرز میان زندگی و مرگ، که در آن انسان‌ها برای گذر به مرحله‌ای متعالی آماده می‌شوند (54) (53) (52) .

د) قهرمان رنج‌کشیده[8]

مسیح (ع): قهرمانی که با رنج خود، گناهان بشریت را بر دوش می‌کشد و با رستاخیز، پیروزی نور بر تاریکی را نوید می‌دهد. در اسطوره‌های مسیحیت، خداوند در قالب انسانی تجسد پیدا می‌کند تا همراه انسان زندگی کند، رنج بکشد و گناهان او را بازخرید کند. رسالت مسیح جانشینی به جای قربانی، مصلوب‌شدن، تحمل تمسخر و خیانت در راستای ایجاد نماد صلیب (اتحاد زمین و آسمان) و بخشش گناهان (رستگاری فردی) است (43 ,30 ,16) .

امام حسین (ع): قهرمانی که با شهادت خود، حقیقت‌جویی را زنده نگاه می‌دارد و وعدهٔ ظهور منجی (مهدی) را تقویت می‌کند. هر دو اسطوره، نماد پیروزی اخلاق بر ظلم هستند. کهن‌الگوی قهرمان در نظریه‌ی یونگی، نماد نفسِ در حال تکامل[1] است که با

---

[1] Last Supper
[2] Death-Rebirth archetype
[3] Savior archetype
[4] *The Martyrs of Karbala*
[5] *rite of passage*
[6] *Myths, Dreams and Mysteries*
[7] *liminal time*
[8] The Suffering Hero Archetype

گذر از آزمون‌ها[2] و رنج، به خودشناسی و تحمل جمعی می‌رسد. زیرمجموعه‌ای از این کهن‌الگو به عنوان «قهرمان رنج‌کشیده» وجود دارد که تمرکز آن بر فداکاری آگاهانه برای نجات دیگران است. این قهرمان معمولاً با مرگی آیینی، جامعه را از تاریکی (سایهٔ جمعی) پاک می‌کند. رسالت امام حسین (ع) در واقعهٔ عاشورا نجات اسلام از تحریف (قیام ضد ظلم)، تحمل تشنگی، شهادت یاران و اسارت خانواده، برافراشتگی پرچم خونین (پایداری تا پای جان) و بیداری وجدان اجتماعی (انقلاب اخلاقی) بود (۵۵) (56) (57).

هر دو روایت، ظلم حاکم (رومیان/بنی‌امیه) را به عنوان تاریکی و سایهٔ جمعی نشان می‌دهند که قهرمان با رنج خود آن را آشکار می‌کند. مسیح و حسین (ع) هر دو نقش واسطه را بازی می‌کنند؛ پیونددهندهٔ زمین (مادی) و آسمان (معنوی). این هم‌چنین تداعی‌گر کهن‌الگوی پیرخردمند[3] در ناخودآگاه جمعی است. پیروان با تقلید نمادین از قهرمان خود (خوردن نان و شراب / گریه بر حسین)، به سوی خودشناسی و فردیت حرکت می‌کنند. یونگ معتقد بود قهرمانِ رنج‌کشیده، تصویری از ناخودآگاه جمعی است که جامعه را از رکود اخلاقی نجات می‌دهد. مرگ او یک مرگ آیینی است، مرگ نه به عنوان یک پایان، بلکه تولد دوباره‌ی معنویت (13, 16, 43, 58).

ه) رستاخیز و امید به نجات[4]

مسیحیت: رستاخیز مسیح، نماد غلبه بر مرگ و زندگی جاویدان است. کهن‌الگوی «رستاخیز / تولد دوباره» یکی از جهانی‌ترین الگوهای روانی است. یونگ آن را با چرخهٔ طبیعت (مرگ و باززایی فصل‌ها) و نیز سفر قهرمان[5] مرتبط می‌دانست. این الگو در آیین‌ها به شکل نمادین امید به غلبه بر مرگ را زنده نگاه می‌دارد. رویداد محوری مسیحیت، قیام مسیح از قبر پس از سه روز، تخم مرغ عید پاک (زندگی جدید، بهار و تجدید حیات) و پیروزی نور بر تاریکی را نوید می‌دهد (13, 16) (61) (60) (59) .

عاشورا: با وجود تأکید بر شهادت، زنده‌نگه‌داشتن یاد حسین و انتظار فرج، نماد امید به عدالتِ بازساخته‌شده است. نظیر کهن‌الگوی فینیکس/ققنوس که از خاکستر برمی‌خیزد. هر دو روایت، مرگ قهرمان را نه پایان، بلکه آغازی برای تحول می‌دانند، درست مانند اسطورهٔ ققنوس. در اسلام شیعی، وعدهٔ ظهور مهدی (عج) به عنوان ادامهٔ راه حسین، پرچم‌های سیاه و سبز به نشانهٔ عزاداری و امید، پیاده‌روی اربعین چهل روز پس از عاشورا و عدالت‌خواهی پس از ظلم مطرح است. رستاخیز و ادامهٔ راه در این آیین‌ها، یک الگوی روان‌درمان‌گرانه است؛ به انسان می‌آموزد که رنج، پایان کار نیست، بلکه گذرگاهی به سوی معناست. این همان حکمت ناخودآگاه جمعی‌ست. این کهن‌الگوها در عشای ربانی و عاشورا، واکنشی ناخودآگاه به ترس از مرگ و ظلم هستند؛ اما با تبدیل رنج به معنای مقدس (13, 30, 63, 64) (62) .

و) نماد قربانی

---

[1] Individuation
[2] trials
[3] Wise Old Man
[4] Rebirth Archetype
[5] Heros Journey

در عشای ربانی: نماد قربانی در عشای ربانی با خون و جسم مسیح (نان و شراب) تجلی می‌یابد که به‌عنوان قربانی الهی برای رهایی بشریت از گناه ارائه می‌شود. این نماد به کهن‌الگوی قربانی در ناخودآگاه جمعی متصل است که بیانگر فداکاری برای خیر بزرگ‌تر است (65) .

در عاشورا: قربانی در عاشورا با شهادت امام حسین (ع) و یارانش نمود می‌یابد که برای دفاع از عدالت و مقاومت در برابر ظلم تقدیم شده است. این قربانی به کهن‌الگوی قهرمان و رنج مقدس ربط دارد که در ناخودآگاه جمعی به‌عنوان الگویی برای مبارزه با شر ظاهر می‌شود (66) .

ز) نماد رنج

در عشای ربانی: رنج در عشای ربانی با مصلوب شدن مسیح و تحمل درد برای رستگاری بشریت نمایان می‌شود. این رنج به کهن‌الگوی رنج مقدس متصل است که در روان‌شناسی یونگ به‌عنوان راهی برای تحول و یکپارچگی روانی دیده می‌شود (13, 43)

در عاشورا: رنج در عاشورا با شهادت امام حسین (ع) و مصائب اهل بیت تجلی می‌یابد که سوگ جمعی شیعیان را برمی‌انگیزد. این رنج به کهن‌الگوی قهرمان و مقاومت ربط دارد که در ناخودآگاه جمعی به‌عنوان نیرویی برای تحمل و پیروزی بر سختی‌ها عمل می‌کند. در عاشورا، رنج مقدس در قالب شهادت امام حسین (ع) و مصائب اهل بیت، به‌عنوان بازنمایی کهن‌الگوی قهرمان رنج‌کشیده[1] و مقاومت در برابر شر[2] عمل می‌کند. در روان‌شناسی یونگی، این کهن‌الگو تجلی نیروی ناخودآگاه جمعی برای ایستادگی در برابر تاریکی است. یونگ در*روان*شناسی و دین[3] توضیح می‌دهد که سوگ آیینی و بازآفرینی رنج یک قهرمان، کارکردی روان‌شناختی در تخلیهٔ عاطفی، آگاهی از سایهٔ جمعی و احیای امید دارد. عاشورا به‌واسطهٔ سوگ آیینی (مراسم عاشورا، شام غریبان، تعزیه و پیاده‌روی اربعین) درواقع فرآیند روان‌درمان‌گرانهٔ هم‌ذات‌پنداری با قهرمان را فعال می‌کند. طبق نظر یونگ، این مشارکت نمادین با رنج قهرمان، به افراد و جامعه اجازه می‌دهد با سایهٔ جمعی (ظلم و مرگ) مواجه شوند و از طریق نمادها، به معنا و امیدی نو دست یابند. در *انسان و سمبول‌هایش*[4]، یونگ اشاره می‌کند که قهرمان قربانی‌شونده، صورت مثالی است که همواره در فرهنگ‌ها، برای عبور از بحران‌های جمعی و فردی ظهور می‌کند و حضور او در ناخودآگاه جمعی، حامل امید به دگرگونی است (13, 16, 26) (67) .

ج) نماد تطهیر

در عشای ربانی: تطهیر در عشای ربانی از طریق آیین نان و شراب رخ می‌دهد که گناهان را پاک می‌کند و اتحاد با الوهیت را ممکن می‌سازد. این نماد به کهن‌الگوی تحول و تولد دوباره متصل است که در روان‌شناسی یونگ به یکپارچگی خود[5] کمک می‌کند (16).

[1] The Suffering Hero Archetype
[2] Shadow
[3] *Psychology and Religion*
[4] *Man and His Symbols*
[5] Self

نسخهٔ پدیدآفرینشاه پیش از انتشار

در عاشورا: تطهیر در عاشورا از طریق سوگ و اشک برای امام حسین (ع) و تعهد به ارزش‌های عدالت و حقیقت به‌دست می‌آید. این تطهیر به کهن‌الگوی رستاخیز ربط دارد که در ناخودآگاه جمعی به‌عنوان تجدید حیات روانی ظاهر می‌شود. در آیین عاشورا، تطهیر روانی و جمعی از طریق اشک ریختن، سوگواری و عزاداری آیینی تحقق می‌یابد. در روان‌شناسی تحلیلی یونگ، گریستن در سوگ آیینی، نوعی کاتارسیس (تخلیه‌ی روانی) است که به پالایش فرد و جامعه از اضطراب وجودی و هراس از مرگ کمک می‌کند. یونگ در *نمادهای دگرگونی*[1] توضیح می‌دهد که سوگ آیینی نه‌تنها تسلی‌بخش است، بلکه نیرویی است برای ارتباط با کهن‌الگوهای ناخودآگاه و احیای روان. در عاشورا، این تطهیر به‌ویژه با رستاخیز روانی و امید به عدالت پس از ظلم گره خورده و تداعی‌گر کهن‌الگوی مرگ و تولد دوباره[2] است. همان‌طور که یونگ در *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو*[3] می‌نویسد:

«آیین‌های سوگ‌مندی که با اشک و اندوه برگزار می‌شوند، ابزاری برای مرگ نمادینِ کهن‌الگوهای منفی و احیای معنا در ناخودآگاه فرد و اجتماع هستند.»

عزاداری عاشورا با بازنمایی نمادین رنج، خون و فداکاری، فرایندی روانی را رقم می‌زند که در آن، مخاطب به شکلی ناخودآگاه با سایه (ظلم و شر) روبرو می‌شود و از مسیر اندوه و اشک، به امید و بازسازی درونی دست می‌یابد. این روند، هم در سطح فردی و هم جمعی، کارکردی درمانگرانه و باززاینده دارد (13, 30) (68) .

ط) نماد وحدت

در عشای ربانی: وحدت در عشای ربانی از طریق مشارکت جمعی در آیین و اتصال به جسم مسیح (نان و شراب) تجلی می‌یابد که اتحاد با خدا و جامعه مسیحی را تقویت می‌کند. این نماد به کهن‌الگوی خود[4] ربط دارد که در روان‌شناسی یونگ نماد یکپارچگی کامل روانی است (16, 38, 43) .

در عاشورا: وحدت در عاشورا از طریق سوگ جمعی و هم‌بستگی شیعیان در مراسم عزاداری شکل می‌گیرد که هویت جمعی را تقویت می‌کند. این وحدت به کهن‌الگوی اجتماع و قهرمان جمعی متصل است. در آیین عاشورا، وحدت و همبستگی جمعی از طریق سوگواری، نذری دادن، پیاده‌روی‌های آیینی (مانند اربعین) و مراسم تعزیه و نخل‌گردانی شکل می‌گیرد. این اتحاد، کارکردی دوگانه دارد:

۱ .تقویت هویت جمعی شیعیان در برابر سایه‌ی اجتماعی (ظلم و استبداد)
۲ .ایجاد یک میدان روانی مشترک[5] که در روان‌شناسی یونگی، تداعی‌گر کهن‌الگوی اجتماع[6] و قهرمان جمعی[7] است.

[1] *Symbols of Transformation*
[2] Death-Rebirth Archetype
[3] *The Archetypes and the Collective Unconscious*
[4] Self
[5] Collective Field
[6] Community Archetype
[7] Cultural Hero Archetype

نسخه پیش‌نویس پذیرفته‌شده پیش از انتشار

یونگ در *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو*[1] توضیح می‌دهد که آیین‌های جمعی، به واسطهٔ فعال‌سازی کهن‌الگوها در ناخودآگاه جمعی، وحدتی روانی و احساسی در میان افراد برقرار می‌کنند که در آن، فرد بخشی از یک کل بزرگ‌تر می‌شود و ترس‌های وجودی و اضطراب‌های فردی‌اش را در این وحدت جمعی رها می‌کند. عزاداری عاشورا با تمرکز بر فداکاری امام حسین (ع) و یارانش، باعث فعال شدن کهن‌الگوی قهرمان فرهنگی می‌شود که در ناخودآگاه شیعیان، نماد مقاومت، همبستگی و استمرار هویت دینی و اخلاقی در برابر شرّ و استبداد است. این وحدت، هم تسکین روانی[2] و هم انگیزش اجتماعی-سیاسی برای اصلاح فراهم می‌آورد (68) (13, 26).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی نمادهای کهن‌الگویی در آیین‌های عشای ربانی و عاشورا از منظر روان‌شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ انجام شد تا نقش این نمادها در ناخودآگاه جمعی و پتانسیل‌های درمانی آن‌ها را بررسی کند. تحلیل نمادهای مشترک مانند خون، نان، قربانی، رنج، تطهیر، و وحدت نشان داد که این آیین‌ها بازتاب‌دهندهٔ کهن‌الگوهای جهانی‌اند که در بسترهای فرهنگی مسیحی و شیعی تجلی متفاوتی یافته‌اند. این بخش یافته‌های پژوهش را خلاصه کرده و کاربردهای درمانی این نمادها را در روان‌درمانی یونگی تبیین می‌کند.

تحلیل نمادهای مشترک در عشای ربانی و عاشورا نشان داد که این آیین‌ها از طریق کهن‌الگوهای قربانی، قهرمان رنج‌کشیده، رستاخیز، و خود به یکپارچگی روانی و تحول معنوی کمک می‌کنند. در عشای ربانی، نمادهایی مانند شراب و نان (خون و جسم مسیح) بر رهایی الهی و اتحاد با خدا تأکید دارند، درحالی‌که در عاشورا، این نمادها (خون امام حسین (ع)، نذری) به مقاومت در برابر ظلم و همبستگی اجتماعی اشاره دارند. شباهت‌های این آیین‌ها در فداکاری و تحول روانی و تفاوت‌هایشان در اهداف الهی (عشای ربانی) و اجتماعی (عاشورا) نشان‌دهندهٔ تنوع تجلی کهن‌الگوها در ناخودآگاه جمعی است. آیین‌هایی مانند شام آخر و شام غریبان نیز کهن‌الگوهای مرگ و تولد دوباره و نجات‌دهنده را بازنمایی می‌کنند که به مواجهه با سایه و آمادگی برای تحول روانی کمک می‌کنند.

نمادهای شناسایی‌شده در این پژوهش پتانسیل‌های درمانی قابل‌توجهی در روان‌درمانی یونگی دارند. یونگ معتقد بود که نمادها و کهن‌الگوها به‌عنوان پل‌هایی به ناخودآگاه جمعی، فرآیند فردیت (یکپارچگی روانی) را تسهیل می‌کنند. این کاربردها عبارت‌اند از:

۱. **کاتارسیس و تخلیه روانی**: در عاشورا، سوگ آیینی و اشک برای امام حسین (ع) نوعی کاتارسیس ایجاد می‌کند که اضطراب وجودی و ترس از مرگ را کاهش می‌دهد. به‌طور مشابه، در عشای ربانی، مشارکت در آیین نان و شراب حس اتحاد با الوهیت را تقویت کرده و تورم روانی را کاهش می‌دهد. این فرآیندها به‌عنوان تکنیک‌های روان‌درمانی می‌توانند در درمان اختلالات اضطرابی و افسردگی استفاده شوند.
۲. **مواجهه با سایه و تاریکی**: کهن‌الگوی قهرمان رنج‌کشیده در هر دو آیین افراد را به مواجهه با سایه‌ی جمعی (ظلم، گناه) تشویق می‌کند. در روان‌درمانی یونگی، این مواجهه از طریق تحلیل رویاها یا آیین‌های نمادین می‌تواند به آگاهی از جنبه‌های سرکوب‌شده‌ی روان و کاهش روان‌نژندی منجر شود. برای مثال، بازآفرینی نمادهای خون و رنج در جلسات درمانی می‌تواند بیماران را به پذیرش و تحول رنج‌های شخصی هدایت کند.

[1] *The Archetypes and the Collective Unconscious*
[2] Catharsis

۳. **تقویت فرآیند فردیت**: کهن‌الگوهای رستاخیز و وحدت (مانند انتظار فرج در عاشورا و رستاخیز مسیح) به افراد کمک می‌کنند تا معنای مقدس را در رنج بیابند و به یکپارچگی روانی (خود) دست یابند. این فرآیند در روان‌درمانی یونگی از طریق تمرینات نمادین (مانند مدیتیشن بر نمادهای آیینی) می‌تواند به بهبود سلامت روان و کاهش احساس بی‌معنایی کمک کند.

۴. **انسجام اجتماعی و هویت جمعی**: وحدت جمعی در عاشورا (پیاده‌روی اربعین، نذری) و عشای ربانی (مشارکت در آیین مشترک) حس تعلق به اجتماع را تقویت می‌کند که در درمان گروهی یونگی می‌تواند به کاهش انزوای اجتماعی و بهبود سلامت روان منجر شود. این کارکرد به‌ویژه در جوامع با بحران‌های هویتی مفید است.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش به‌دلیل ماهیت کیفی و استفاده از منابع متنی، با محدودیت دسترسی به برخی داده‌های تاریخی و مشاهدات آیینی معاصر مواجه بود. همچنین، تفسیر نمادها ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های فرهنگی قرار گیرد. با این حال، استفاده از چارچوب نظری یونگ و منابع معتبر، این محدودیت‌ها را تا حد زیادی مدیریت کرد.

پیشنهادهای پژوهش

این پژوهش نشان داد که آیین‌های عشای ربانی و عاشورا از طریق بازنمایی کهن‌الگوهای ناخودآگاه جمعی، نه‌تنها به تحول معنوی، بلکه به سلامت روان و یکپارچگی روانی کمک می‌کنند. این نمادها با ایجاد کاتارسیس، مواجهه با سایه، و تقویت فردیت، پتانسیل‌های درمانی قابل‌توجهی در روان‌درمانی یونگی دارند. با وجود تنوع فرهنگی، کارکردهای جهانی این نمادها در ناخودآگاه جمعی نشان‌دهنده اهمیت آن‌ها در سلامت روان است.

برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود:

- **مطالعات میدانی**: بررسی تأثیر آیین‌های عاشورا و عشای ربانی بر سلامت روان شرکت‌کنندگان از طریق روش‌های کیفی (مثل مصاحبه) یا کمی (مثل پرسشنامه‌های سلامت روان).
- **کاربرد در روان‌درمانی**: طراحی مداخلات درمانی مبتنی بر نمادهای آیینی (مثل استفاده از نماد خون یا رنج در تحلیل رویاها) و ارزیابی اثربخشی آن‌ها.
- **مقایسه‌های بین‌فرهنگی**: تحلیل کهن‌الگوها در آیین‌های دینی دیگر (مثل آیین‌های بودایی یا هندو) برای درک عمیق‌تر کارکردهای جهانی نمادها.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش به متون و داده‌های عمومی متکی است و نیازی به تعامل مستقیم با افراد ندارد. با این حال، احترام به حساسیت‌های دینی و فرهنگی در تحلیل آیین‌های عشای ربانی و عاشورا رعایت و از هرگونه تفسیر توهین‌آمیز یا جانب‌دارانه پرهیز شده است.

حامی مالی

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

این پژوهش حامی مالی نداشته و با هزینهٔ شخصی مؤلفان به انجام رسیده است.

تضاد منافع

مؤلفان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافعی دربارهٔ این پژوهش گزارش نکرده‌اند.

مشارکت مؤلفان

رضا زائری: نگارش اولیه، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل.

محمدباقر نائیجی: نویسنده مسئول، نظارت علمی، بازبینی تحلیل‌های نظری.

ابوالفضل ره‌گوی: مشاوره بالینی، بازبینی کاربردهای روان‌پرستاری.

ارسلان احمدی: ویرایش نهایی.

منابع

۱. Stein MB. Jung's treatment of Christianity: The psychotherapy of a religious tradition: Chiron Publ.; 1985.

۲. Jung CG. Psychology and religion: Yale University Press; 1960.

۳. Dein S, Cook CC, Koenig H. Religion, spirituality, and mental health: current controversies and future directions. The Journal of nervous and mental disease. 2012;200(10):852-5.

۴. Moreira-Almeida A, Koenig HG, Lucchetti G. Clinical implications of spirituality to mental health: review of evidence and practical guidelines. Revista brasileira de psiquiatria. 2014;36(2):176-82.

۵. Association AP. Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5: American Psychiatric Association; 2013.

۶. Cucchi A, Qoronfleh MW. Cultural perspective on religion, spirituality and mental health. Frontiers in Psychology. 2025;16:1568861.

۷. Cook CC. Spirituality, religion & mental health: exploring the boundaries. Mental Health, Religion & Culture. 2020;23(5):363-74.

۸. Jung CG. Modern Man in Search of a Soul: Harcourt, Brace & World; 1933.

۹. Gorski PS, editor The Post-Secular in Question: Religion in Contemporary Society2012.

۱۰. Heelas P, Woodhead L, Seel B, Szerszynski B, Tusting K, editors. The Spiritual Revolution: Why Religion is Giving Way to Spirituality2005.

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

.۱۱ Koenig HG. Religion, spirituality, and health: the research and clinical implications. ISRN Psychiatry. 2012;2012:278730.

.۱۲ Pargament KI, Exline JJ. Religious and spiritual struggles and mental health: Implications for clinical practice. Spirituality and Mental Health Across Cultures. 2021.

.۱۳ Jung CG. The Archetypes and The Collective Unconscious1969.

.۱۴ Davie G. Religion in Modern Europe: A Memory Mutates: Oxford University Press; 2000 31 Oct 2023.

.۱۵ Sedikides C, Gebauer JE. Religiosity as self-enhancement: a meta-analysis of the relation between socially desirable responding and religiosity. Pers Soc Psychol Rev. 2010;14(1):17-36.

.۱۶ Jung CG. Psychology and Religion. Jung CWoCG, editor: Princeton University Press; 1958.

.۱۷ Saward J, editor The spirit of the liturgy1998.

.۱۸ Jung CG. The Undiscovered Self: Princeton University Press; 1958.

.۱۹ Beaman LG. Grace Davie, Religion in Britain: a persistent paradox. Religion, State & Society. 2015;44:185 - 6.

.۲۰ Ahmadi F, Khodayarifard M, Zandi S, Khorrami-Markani A ,Ghobari-Bonab B, Sabzevari M, et al. Religion, culture and illness: a sociological study on religious coping in Iran. Mental Health, Religion & Culture. 2018;21:721 - 36.

.۲۱ Rejali D. Religion and Politics in Modern Iran: A Reader, ed. by Lloyd Ridgeon ,London: I. B. Tauris, 2005, ISBN 1-8451-1073-0, 279 pp. Iranian Studies. 2008.

.۲۲ Taheri Mirghaed M, Abolghasem Gorji H, Panahi S. Prevalence of Psychiatric Disorders in Iran: A Systematic Review and Meta-analysis. Int J Prev Med. 2020;11:21.

.۲۳ Kashiripoor MM. Urban planning legislation in Iran: Historical events and project implementation. Vestnik Tomskogo gosudarstvennogo arkhitekturno-stroitel'nogo universiteta JOURNAL of Construction and Architecture. 2023.

.۲۴ Noorbala AA, Bagheri Yazdi SA, Yasamy MT, Mohammad K. Mental health survey of the adult population in Iran. Br J Psychiatry. 2004;184:70-3.

.۲۵ Jung CG. Psychology and Religion: Yale University Press; 1938.

.۲۶ Jung CG. Man and His Symbols: Dell; 1964.

.۲۷ Momen M. The Martyrs of Karbala: Shi‘i Symbols and Rituals in Modern Iran, Kamran Scot Aghaie, Seattle and London: University of Washington Press, 2004, ISBN 0-295-98448-1 (hardback), 0-295-98455-4 (paperback), xvi + 200 pp., 30 pages of color photographs, index. Iranian Studies. 2006.

.۲۸ Shamdasani S, editor Jung and the making of modern psychology: The dream of a science2003.

.۲۹ Jung CG. The Structure and Dynamics of the Psyche: Princeton University Press.; 1959.

.۳۰ Jung CG. Symbols of Transformation: Princeton University Press; 1959.

.۳۱ Stevens A, editor Living Archetypes: The selected works of Anthony Stevens2015.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

.۳۲ Mandić M. CARL GUSTAV JUNG'S THREE VIEWS OF RELIGION: RELIGIOUS SYMBOLISM AND SYNCRETISM AND MYSTICAL EXPERIENCE OF GOD AND/OR THE SELF. Mostariensia. 2023.
.۳۳ Burniston A. Opposition Is True Friendship: C.G Jung, Ibn 'Arabi & the Answer to Job. Qeios. 2024.
.۳۴ Taylor E. John Ryan Haule and the new Jung scholarship. Psyccritiques. 2011;56.
.۳۵ Tacey D. Jung and the New Age. Nova Religio-journal of Alternative and Emergent Religions. 2006;9:134-5.
.۳۶ Bushueva T, editor Jung On The Role Of Religion In Spiritual Development Of Person2021.
.۳۷ Dourley JP, editor On Behalf of the Mystical Fool: Jung on the Religious Situation2009.
.۳۸ Jung CG. Psychology and Alchemy: Collected Works; 1953.
.۳۹ Clark M, editor Understanding Religion and Spirituality in Clinical Practice2012.
.۴۰ Stein MB, editor The Principle of Individuation: Toward the Development of Human Consciousness2006.
.۴۱ Abidi MH. The Ashura Ritual: An Alchemical Study of Suffering in Shi'ism. Pacifica Graduate Institute. 2021.
.۴۲ Arweck E. Archetypes in Religion and Beyond: A Practical Theory of Human Integration and Inspiration. Journal of Contemporary Religion. 2024.
.۴۳ Jung CG. Answer to Job: Collected Works; 1954.
.۴۴ Inloes A. Ancient Feminine Archetypes in Shi'i Islam. Religions. 2024;15(2):149.
.۴۵ Finch WE, editor Symbolism of the Eucharist: a phenomenological study1961.
.۴۶ Jung CG, Hull RFC, Laszlo VSd, editors. Psyche and Symbol: A Selection from the Writings of C.G. Jung1991.
.۴۷ Gy P-M, Maddox SJ. Cardinal Ratzinger's The Spirit of the Liturgy: Is It Faithful to the Council or in Reaction to It? Antiphon: A Journal for Liturgical Renewal. 2024;11:90 - 6.
.۴۸ Tulip R, editor Aion – Toward a Gnostic Reformation2017.
.۴۹ Jung CGH, editor VOLUME 12: PSYCHOLOGY AND ALCHEMY Abstracts of the Collected Works of C. G. Jung Volume 12: Psychology and Alchemy Introduction to the religious and psychological problems of alchemy2012.
.۵۰ Coomaraswamy RP, editor The Jung Cult: Origins of a Charismatic Movement1999.
.۵۱ Edinger EF, editor The Christian Archetype: A Jungian Commentary on the Life of Christ1987.
.۵۲ Aghaie KS, editor The Martyrs of Karbala: Shi'i Symbols and Rituals in Modern Iran2004.
.۵۳ Eliade M, editor Myths, Dreams, and Mysteries: The Encounter Between Contemporary Faiths and Archaic Realities1961.
.۵۴ Kuefer M, editor The Sacred And The Profane The Nature Of Religion2016.

نسخه بازنشده پیش از انتشار

.۵۵ Luomala K, Campbell J. The Hero with a Thousand Faces. Journal of American Folklore. 1949;63:121.

.۵۶ Ghadiali MS. Mohammed Rustom. Inrushes of the Heart: The Sufi Philosophy of 'Ayn al-Quḍāt. Islamic Studies. 2024.

.۵۷ Hatiboğlu İ, editor Sünnet ve Hadis (Seyyed Hossain NASR)2006.

.۵۸ Corbin H, editor The Voyage and the Messenger: Iran and Philosophy1998.

.۵۹ Pals DL, editor Eight theories of religion2006.

.۶۰ Ayoub MM, editor Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional Aspects of Ashura in Twelver Shi'ism1981.

.۶۱ Jones JK, editor Into the labyrinth: Persephone's journey as metaphor and method for research2013.

.۶۲ Lerner RE. Maimonides' "Treatise on Resurrection". History of Religions. 1983;23:140 - 55.

.۶۳ Momen M. The divine guide in early Shi'Ism: the sources of esotericism in Islam. By Mohammad Ali Amir-Moezzi, translated by David Streight. pp. x, 279. Albany, NY, State University of New York Press, 1994. $17.95. Journal of the Royal Asiatic Society. 1996;6:242 - 3.

.۶۴ Robinson F. Daryoush Mohammad Poor: Authority without Territory: The Aga Khan Development Network and the Ismaili Imamate. (Literatures and Cultures of the Islamic World.) xix, 258 pp. Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2014. £56.50. ISBN 978 1 137 42879 0. Bulletin of the School of Oriental and African Studies. 2016;79:178 - 9.

.۶۵ Mabary JA. The sacred and the profane. Contextualizing Melodrama in the Czech Lands. 2020.

.۶۶ Ernst CW, Nasr SH. Islamic Spirituality: Foundations. Journal of the American Oriental Society. 1990;110:368.

.۶۷ Neumann E, editor The Origins and History of Consciousness2020.

.۶۸ Dourley JP, editor Jung and his Mystics: In the end it all comes to nothing2014.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار